بسم الله الرحمن الرحیم

عنوان فیش : منش طلبگی در بیانات رهبر انقلاب

مربوط به :[**دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب - 1397/01/29**](https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=39413)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
رهبر انقلاب اسلامی، فساد را در بسیاری از موارد ناشی از روحیه زیاده‌طلبی و اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی دانستند و خاطرنشان کردند: اینکه امام بزرگوار بارها بر حفظ زیّ طلبگی و داشتن زندگی ساده و معمولی مسئولان تأکید داشتند، به همین علت بود.
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: مسئولان در نظام اسلامی نمی‌توانند این تصور را داشته باشند که چون مسئولان در کشورهای دیگر از امکانات گوناگون برخوردارند، پس در نظام اسلامی نیز چنین مواردی مباح است.

مربوط به :[**بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها - 1389/04/20**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9720)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
یکی از چیزهائی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین فرمود: «طبیب دوّار بطبّه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه». نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردنِ ما مجموعه‌ی روحانی و مجموعه‌ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درددل مردم است - باید از دست ندهیم.
البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدرانه، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهائی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.
1 ) خطبه 108 : از خطبه‏هاى آن حضرت است در پيشگويى از حوادث آينده
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَ الظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ إِذْ كَانَتِ الرَّوِيَّاتُ لَا تَلِيقُ إِلَّا بِذَوِي الضَّمَائِرِ وَ لَيْسَ بِذِي ضَمِيرٍ فِي نَفْسِهِ خَرَقَ عِلْمُهُ بَاطِنَ غَيْبِ السُّتُرَاتِ وَ أَحَاطَ بِغُمُوضِ عَقَائِدِ السَّرِيرَاتِ . اخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِشْكَاةِ الضِّيَاءِ وَ ذُؤَابَةِ الْعَلْيَاءِ وَ سُرَّةِ الْبَطْحَاءِ وَ مَصَابِيحِ الظُّلْمَةِ وَ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ . و منها : طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطِبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمْيٍ وَ آذَانٍ صُمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ مُتَتَبِّعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ وَ لَمْ يَقْدَحُوا بِزِنَادِ الْعُلُومِ الثَّاقِبَةِ فَهُمْ فِي ذَلِكَ كَالْأَنْعَامِ السَّائِمَةِ وَ الصُّخُورِ الْقَاسِيَةِ قَدِ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ وَ وَضَحَتْ مَحَجَّةُ الْحَقِّ لِخَابِطِهَا وَ أَسْفَرَتِ السَّاعَةُ عَنْ وَجْهِهَا وَ ظَهَرَتِ الْعَلَامَةُ لِمُتَوَسِّمِهَا مَا لِي أَرَاكُمْ أَشْبَاحاً بِلَا أَرْوَاحٍ وَ أَرْوَاحاً بِلَا أَشْبَاحٍ وَ نُسَّاكاً بِلَا صَلَاحٍ وَ تُجَّاراً بِلَا أَرْبَاحٍ وَ أَيْقَاظاً نُوَّماً وَ شُهُوداً غُيَّباً وَ نَاظِرَةً عَمْيَاءَ وَ سَامِعَةً صَمَّاءَ وَ نَاطِقَةً بَكْمَاءَ رَايَةُ ضَلَالٍ قَدْ قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا وَ تَفَرَّقَتْ بِشُعَبِهَا تَكِيلُكُمْ بِصَاعِهَا وَ تَخْبِطُكُمْ بِبَاعِهَا قَائِدُهَا خَارِجٌ مِنَ الْمِلَّةِ قَائِمٌ عَلَى الضِّلَّةِ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ مِنْكُمْ إِلَّا ثُفَالَةٌ كَثُفَالَةِ الْقِدْرِ أَوْ نُفَاضَةٌ كَنُفَاضَةِ الْعِكْمِ تَعْرُكُكُمْ عَرْكَ الْأَدِيمِ وَ تَدُوسُكُمْ دَوْسَ الْحَصِيدِ وَ تَسْتَخْلِصُ الْمُؤْمِنَ مِنْ بَيْنِكُمُ اسْتِخْلَاصَ الطَّيْرِ الْحَبَّةَ الْبَطِينَةَ مِنْ بَيْنِ هَزِيلِ الْحَبِّ أَيْنَ تَذْهَبُ بِكُمُ الْمَذَاهِبُ وَ تَتِيهُ بِكُمُ الْغَيَاهِبُ وَ تَخْدَعُكُمُ الْكَوَاذِبُ وَ مِنْ أَيْنَ تُؤْتَوْنَ وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ فَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتابٌ وَ لِكُلِّ غَيْبَةٍ إِيَابٌ فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّانِيِّكُمْ وَ أَحْضِرُوهُ قُلُوبَكُمْ وَ اسْتَيْقِظُوا إِنْ هَتَفَ بِكُمْ وَ لْيَصْدُقْ رَائِدٌ أَهْلَهُ وَ لْيَجْمَعْ شَمْلَهُ وَ لْيُحْضِرْ ذِهْنَهُ فَلَقَدْ فَلَقَ لَكُمُ الْأَمْرَ فَلْقَ الْخَرَزَةِ وَ قَرَفَهُ قَرْفَ الصَّمْغَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَآخِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَاكِبَهُ وَ عَظُمَتِ الطَّاغِيَةُ وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالَ السَّبُعِ الْعَقُورِ وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُظُومٍ وَ تَوَاخَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيْظاً وَ الْمَطَرُ قَيْظاً وَ تَفِيضُ اللِّئَامُ فَيْضاً وَ تَغِيضُ الْكِرَامُ غَيْضاً وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذِئَاباً وَ سَلَاطِينُهُ سِبَاعاً وَ أَوْسَاطُهُ أُكَّالًا وَ فُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتاً وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكَذِبُ وَ اسْتُعْمِلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَباً وَ الْعَفَافُ عَجَباً وَ لُبِسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرْوِ مَقْلُوباً
ترجمه :
خداى را سپاس كه با آفرينش مخلوقات بر مخلوقات تجلّى كرد، و با حجّت خود بر قلوبشان آشكار است، بدون به كار گيرى انديشه موجودات را آفريد، زيرا انديشه‏ها در خور آنانى است كه داراى ضمايرند، و خدا را فى نفسه ضمير نيست. دانش او عمق پرده‏هاى غيب‏ را شكافته، و به پيچيدگى‏ها و دقايق آراء نهانها احاطه نموده. از اين خطبه است در باره پيامبر صلّى اللّه عليه و آله او را از شجره انبيا، و از چراغدان نور، و از مرتبت بلند، و از مركز سرزمين بطحا، و از چراغهاى بر افروخته در ظلمت، و چشمه‏هاى حكمت اختيار نمود و از اين خطبه است طبيبى است كه همراه با طبّش در ميان مردم مى‏گردد، مرهمهايش را محكم و آماده ساخته، و ابزارهايش را براى سوزاندن زخمها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد: در زمينه دلهاى كور، و گوشهاى كر، و زبانهاى لال به كار گيرد. دارو به دست به دنبال علاج بيماريهاى غفلت، و دردهاى حيرت است. اين بيماران وجود خود را از انوار حكمت روشن ننموده، و با آتش زنه دانشى درخشان شعله نيفروخته‏اند. از اين بابت به مانند چهارپايان چرنده، و سنگهاى‏ سخت‏اند. حقايق پنهان براى اهل بصيرت آشكار، و راه حق براى اشتباه كنندگان نمايان شد، و قيامت پرده از چهره برداشت، و نشانه‏هاى آن براى صاحب فراست ظاهر گشت. چه شده كه شما را پيكرهايى بى‏جان، و جانهايى بى‏پيكر، و عابدانى بى‏صلاح، و تاجرانى بى‏سود، و بيدارانى خواب، و حاضرانى غايب، و ناظرانى كور، و شنوندگانى كر، و گويندگانى لال مشاهده مى‏كنم دولت ضلالت بر محور خود به پا شده، و با شاخه‏هايش همه جا پراكنده گرديده، شما را با كيل خود وزن مى‏كند، و با همه دست خود بر سرتان مى‏كوبد، پرچمدار اين حكومت از دين خارج است، و بر سكوى گمراهى ايستاده، آن زمان از شما جز به مانند باقى مانده ته ديگ، يا به مثل خرده دانه‏اى كه در ته بقچه مانده چيزى باقى نماند. دولت ضلالت شما را به مانند به هم پيچيده شدن چرم به هم مى‏مالد، و همچون كوبيدن خرمن مى‏كوبد، اين سركشان همچون پرنده‏اى كه دانه درشت را از دانه ريز جدا مى‏كند مؤمن را از ميان شما جدا مى‏كنند. اين راهها شما را كجا مى‏برد تاريكى‏ها تا چه وقت شما را سرگشته و حيران مى‏نمايد دروغها چگونه شما را مى‏فريبند اين بلا از كجا به سر شما مى‏آيد و به كجا باز گردانده مى‏شويد براى هر زمانى سرنوشتى است، و هر غيبتى را باز گشتى است. پس، از عالم ربّانى خود بشنويد، دلهاى خود را نزد او حاضر كنيد، و اگر بر شما فرياد زد بيدار شويد. خبر گزار بايد به مردمش راست بگويد، و پراكندگى كار و افكار خود را جمع نمايد، و ذهنش را آماده سازد. عالم ربّانى حقايق را همچون شكافتن مهره براى شما شكافت، و حقيقت را همچون كندن پوست درخت براى يافتن صمغ پوست كند. به وقت بر پا شدن بيرق گمراهى باطل در محلّ خود جاى گرفته، و جهالت بر مركبهايش سوار گشته، و گروه ستمگر بزرگ و فراوان گردد، و دعوت كننده به حق كم شود، و روزگار همچون وحشى گزنده حمله نمايد، و شتر باطل پس از سكوت عربده كشد و قوّت گيرد، و مردم بر معصيت پيمان برادرى بندند، و بر دين از هم دورى نمايند، و بر دروغ با يكديگر دوست شوند، و بر راستى با هم دشمنى ورزند. در اين وقت‏ فرزند باعث خشم پدر، و باران عامل حرارت گردد، و مردم پست فراوان، و خوبان كمياب شوند. مردم (توانمند) آن روزگار همچون گرگ، و حاكمانشان درنده، و ميانه حالشان طعمه، و نيازمندانشان مرده خواهند بود، راستى ناپديد شود، و دروغ فراوان گردد، مردم به زبان اظهار دوستى، و به دل دشمنى كنند، فسق عامل نسبت، و عفّت باعث شگفتى شود، و اسلام را همچون پوستين وارونه پوشند

مربوط به :[**بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها - 1389/04/20**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9720)
عنوان فیش :ضرورت حفظ حالت مردمی بودن روحانیت
کلیدواژه(ها) : [روحانی‌ها](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1308), [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : نهج‌البلاغه

متن فیش :
یکی از چیزهائی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین فرمود: «طبیب دوّار بطبّه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه».(1) نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردنِ ما مجموعه‌ی روحانی و مجموعه‌ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درددل مردم است - باید از دست ندهیم. البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدرانه، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهائی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.
1 ) خطبه 108 : از خطبه‏هاى آن حضرت است در پيشگويى از حوادث آينده
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَ الظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ إِذْ كَانَتِ الرَّوِيَّاتُ لَا تَلِيقُ إِلَّا بِذَوِي الضَّمَائِرِ وَ لَيْسَ بِذِي ضَمِيرٍ فِي نَفْسِهِ خَرَقَ عِلْمُهُ بَاطِنَ غَيْبِ السُّتُرَاتِ وَ أَحَاطَ بِغُمُوضِ عَقَائِدِ السَّرِيرَاتِ . اخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِشْكَاةِ الضِّيَاءِ وَ ذُؤَابَةِ الْعَلْيَاءِ وَ سُرَّةِ الْبَطْحَاءِ وَ مَصَابِيحِ الظُّلْمَةِ وَ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ . و منها : طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطِبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمْيٍ وَ آذَانٍ صُمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ مُتَتَبِّعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ وَ لَمْ يَقْدَحُوا بِزِنَادِ الْعُلُومِ الثَّاقِبَةِ فَهُمْ فِي ذَلِكَ كَالْأَنْعَامِ السَّائِمَةِ وَ الصُّخُورِ الْقَاسِيَةِ قَدِ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ وَ وَضَحَتْ مَحَجَّةُ الْحَقِّ لِخَابِطِهَا وَ أَسْفَرَتِ السَّاعَةُ عَنْ وَجْهِهَا وَ ظَهَرَتِ الْعَلَامَةُ لِمُتَوَسِّمِهَا مَا لِي أَرَاكُمْ أَشْبَاحاً بِلَا أَرْوَاحٍ وَ أَرْوَاحاً بِلَا أَشْبَاحٍ وَ نُسَّاكاً بِلَا صَلَاحٍ وَ تُجَّاراً بِلَا أَرْبَاحٍ وَ أَيْقَاظاً نُوَّماً وَ شُهُوداً غُيَّباً وَ نَاظِرَةً عَمْيَاءَ وَ سَامِعَةً صَمَّاءَ وَ نَاطِقَةً بَكْمَاءَ رَايَةُ ضَلَالٍ قَدْ قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا وَ تَفَرَّقَتْ بِشُعَبِهَا تَكِيلُكُمْ بِصَاعِهَا وَ تَخْبِطُكُمْ بِبَاعِهَا قَائِدُهَا خَارِجٌ مِنَ الْمِلَّةِ قَائِمٌ عَلَى الضِّلَّةِ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ مِنْكُمْ إِلَّا ثُفَالَةٌ كَثُفَالَةِ الْقِدْرِ أَوْ نُفَاضَةٌ كَنُفَاضَةِ الْعِكْمِ تَعْرُكُكُمْ عَرْكَ الْأَدِيمِ وَ تَدُوسُكُمْ دَوْسَ الْحَصِيدِ وَ تَسْتَخْلِصُ الْمُؤْمِنَ مِنْ بَيْنِكُمُ اسْتِخْلَاصَ الطَّيْرِ الْحَبَّةَ الْبَطِينَةَ مِنْ بَيْنِ هَزِيلِ الْحَبِّ أَيْنَ تَذْهَبُ بِكُمُ الْمَذَاهِبُ وَ تَتِيهُ بِكُمُ الْغَيَاهِبُ وَ تَخْدَعُكُمُ الْكَوَاذِبُ وَ مِنْ أَيْنَ تُؤْتَوْنَ وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ فَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتابٌ وَ لِكُلِّ غَيْبَةٍ إِيَابٌ فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّانِيِّكُمْ وَ أَحْضِرُوهُ قُلُوبَكُمْ وَ اسْتَيْقِظُوا إِنْ هَتَفَ بِكُمْ وَ لْيَصْدُقْ رَائِدٌ أَهْلَهُ وَ لْيَجْمَعْ شَمْلَهُ وَ لْيُحْضِرْ ذِهْنَهُ فَلَقَدْ فَلَقَ لَكُمُ الْأَمْرَ فَلْقَ الْخَرَزَةِ وَ قَرَفَهُ قَرْفَ الصَّمْغَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَآخِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَاكِبَهُ وَ عَظُمَتِ الطَّاغِيَةُ وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالَ السَّبُعِ الْعَقُورِ وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُظُومٍ وَ تَوَاخَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيْظاً وَ الْمَطَرُ قَيْظاً وَ تَفِيضُ اللِّئَامُ فَيْضاً وَ تَغِيضُ الْكِرَامُ غَيْضاً وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذِئَاباً وَ سَلَاطِينُهُ سِبَاعاً وَ أَوْسَاطُهُ أُكَّالًا وَ فُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتاً وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكَذِبُ وَ اسْتُعْمِلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَباً وَ الْعَفَافُ عَجَباً وَ لُبِسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرْوِ مَقْلُوباً
ترجمه :
خداى را سپاس كه با آفرينش مخلوقات بر مخلوقات تجلّى كرد، و با حجّت خود بر قلوبشان آشكار است، بدون به كار گيرى انديشه موجودات را آفريد، زيرا انديشه‏ها در خور آنانى است كه داراى ضمايرند، و خدا را فى نفسه ضمير نيست. دانش او عمق پرده‏هاى غيب‏ را شكافته، و به پيچيدگى‏ها و دقايق آراء نهانها احاطه نموده. از اين خطبه است در باره پيامبر صلّى اللّه عليه و آله او را از شجره انبيا، و از چراغدان نور، و از مرتبت بلند، و از مركز سرزمين بطحا، و از چراغهاى بر افروخته در ظلمت، و چشمه‏هاى حكمت اختيار نمود و از اين خطبه است طبيبى است كه همراه با طبّش در ميان مردم مى‏گردد، مرهمهايش را محكم و آماده ساخته، و ابزارهايش را براى سوزاندن زخمها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد: در زمينه دلهاى كور، و گوشهاى كر، و زبانهاى لال به كار گيرد. دارو به دست به دنبال علاج بيماريهاى غفلت، و دردهاى حيرت است. اين بيماران وجود خود را از انوار حكمت روشن ننموده، و با آتش زنه دانشى درخشان شعله نيفروخته‏اند. از اين بابت به مانند چهارپايان چرنده، و سنگهاى‏ سخت‏اند. حقايق پنهان براى اهل بصيرت آشكار، و راه حق براى اشتباه كنندگان نمايان شد، و قيامت پرده از چهره برداشت، و نشانه‏هاى آن براى صاحب فراست ظاهر گشت. چه شده كه شما را پيكرهايى بى‏جان، و جانهايى بى‏پيكر، و عابدانى بى‏صلاح، و تاجرانى بى‏سود، و بيدارانى خواب، و حاضرانى غايب، و ناظرانى كور، و شنوندگانى كر، و گويندگانى لال مشاهده مى‏كنم دولت ضلالت بر محور خود به پا شده، و با شاخه‏هايش همه جا پراكنده گرديده، شما را با كيل خود وزن مى‏كند، و با همه دست خود بر سرتان مى‏كوبد، پرچمدار اين حكومت از دين خارج است، و بر سكوى گمراهى ايستاده، آن زمان از شما جز به مانند باقى مانده ته ديگ، يا به مثل خرده دانه‏اى كه در ته بقچه مانده چيزى باقى نماند. دولت ضلالت شما را به مانند به هم پيچيده شدن چرم به هم مى‏مالد، و همچون كوبيدن خرمن مى‏كوبد، اين سركشان همچون پرنده‏اى كه دانه درشت را از دانه ريز جدا مى‏كند مؤمن را از ميان شما جدا مى‏كنند. اين راهها شما را كجا مى‏برد تاريكى‏ها تا چه وقت شما را سرگشته و حيران مى‏نمايد دروغها چگونه شما را مى‏فريبند اين بلا از كجا به سر شما مى‏آيد و به كجا باز گردانده مى‏شويد براى هر زمانى سرنوشتى است، و هر غيبتى را باز گشتى است. پس، از عالم ربّانى خود بشنويد، دلهاى خود را نزد او حاضر كنيد، و اگر بر شما فرياد زد بيدار شويد. خبر گزار بايد به مردمش راست بگويد، و پراكندگى كار و افكار خود را جمع نمايد، و ذهنش را آماده سازد. عالم ربّانى حقايق را همچون شكافتن مهره براى شما شكافت، و حقيقت را همچون كندن پوست درخت براى يافتن صمغ پوست كند. به وقت بر پا شدن بيرق گمراهى باطل در محلّ خود جاى گرفته، و جهالت بر مركبهايش سوار گشته، و گروه ستمگر بزرگ و فراوان گردد، و دعوت كننده به حق كم شود، و روزگار همچون وحشى گزنده حمله نمايد، و شتر باطل پس از سكوت عربده كشد و قوّت گيرد، و مردم بر معصيت پيمان برادرى بندند، و بر دين از هم دورى نمايند، و بر دروغ با يكديگر دوست شوند، و بر راستى با هم دشمنى ورزند. در اين وقت‏ فرزند باعث خشم پدر، و باران عامل حرارت گردد، و مردم پست فراوان، و خوبان كمياب شوند. مردم (توانمند) آن روزگار همچون گرگ، و حاكمانشان درنده، و ميانه حالشان طعمه، و نيازمندانشان مرده خواهند بود، راستى ناپديد شود، و دروغ فراوان گردد، مردم به زبان اظهار دوستى، و به دل دشمنى كنند، فسق عامل نسبت، و عفّت باعث شگفتى شود، و اسلام را همچون پوستين وارونه پوشند

مربوط به :[**بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران‌ - 1388/11/13**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8824)
عنوان فیش : روحانی‌ها, منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [روحانی‌ها](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1308), [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
مسئله‌ی دکتری افتخاری؛ این یک افتخار است که این دانشگاه اظهار محبت را به ما بکند؛ لیکن من اهل دکتری نیستم؛ همان طلبگی ما کافی است. اگر بتوانیم به میثاق طلبگی متعهد و پایبند بمانیم - که قولاً و فعلاً این میثاق را از دوران نوجوانی و جوانی با خدای متعال بستیم - اگر خداوند کمک کند و ما بتوانیم این میثاق را حفظ کنیم و در همین عالم طلبگی پیش برویم، من این را ترجیح میدهم.

مربوط به :[**بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان - 1385/08/17**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8841)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می‌شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره‌ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد (سلام‌اللَّه علیه) در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجادیه از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لبّاً راجحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زیّ طلبگی است. نمی‌گوییم عبای پاره به دوشمان بیندازیم؛ معنای زیّ طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیاطلبی مثل دنیاطلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبلها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول‌پرستهاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما حالا پول نداریم، به‌مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافیگری، وقتی این یک جزئش فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصتهای دیگر همین‌طور بتدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زیّ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.

مربوط به :[**بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان - 1385/08/17**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8841)
عنوان فیش : منش طلبگی, روحانی‌ها
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663), [روحانی‌ها](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1308)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
شأن طلبگی این است كه انسان یك زیّ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.

مربوط به :[**بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی - 1383/10/23**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3268)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
حضور مجموعه‌یی به نام عقیدتی، سیاسی در نیروهای مسلح، یکی از الهامات الهی و از برکات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه‌ی دست‌اندرکار امور کشور بود. نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیریِ معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند - همچنان‌که به طبیب احتیاج دارند - و اگر روحانی در هر نقطه‌یی به وظایف خود عمل کند، آن‌جا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد. گاهی وجود ما عمامه‌یی‌ها در جاهایی بی‌اثر می‌شود، یا احیاناً خدای ناکرده اثرهای منفی بر جای می‌گذارد؛ این به‌خاطر این است که ما در آن مورد با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم. در طول سالهای متمادیِ عمر روحانیت شیعه، هرجا روحانیون با منش و هویت روحانیِ خود ظاهر شده‌اند، برکاتی بر جای گذاشته‌اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدان‌های مربوط به رزم و دفاع از کشور و امنیت، و چه در هر میدان دیگری. شأن روحانی این است. نمی‌خواهم ادعا کنم که حضور روحانیون در نیروهای مسلح در سالهای بعد از انقلاب صددرصد همان‌طوری بوده است که از ماها انتظار می‌رفته؛ اما می‌خواهم این را عرض کنم که در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هرجا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تأثیرات بسیار گرانبهایی برجای گذاشته‌اند.

مربوط به :[**بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی - 1383/10/23**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3268)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
منش روحانی نباید فرماندهی باشد؛ هرچند تشریفات فرماندهی اصلاً مردمیِ محض است. شما فرض کنید در فلان محله‌ی تهران یا هر شهر دیگری پیشنماز یک مسجد هستید. پیشنماز یک مسجد چگونه رفتار می‌کند؟ با امر و نهی و پَسرو و پیشرو رفتار می‌کند؟ اگر بکند، مردم به نمازش نمی‌آیند. همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیشنمازهای مردمی است: با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند، جواب مسأله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند. گفت:
چو وا نمی‌کنی گرهی خود گره مباش
ابرو گشاده باش چو دستت گشاده نیست
به عنوان آخوندی، دست ما گشاده نیست؛ اما ابرویمان که می‌تواند گشاده باشد. بنده خودم سالها پیشنمازی کرده‌ام؛ می‌دانم انسان چگونه باید با مردم رفتار کند. وقتی نماز تمام می‌شد، برمی‌گشتم رو به مردم می‌نشستم. تسبیحات حضرت زهرا را هم که می‌گفتم، افراد می‌آمدند و می‌دیدند راه باز است. جوان می‌آمد، مزلّف می‌آمد، بازاری می‌آمد، ریش‌دار می‌آمد، بی‌ریش می‌آمد. آن زمان، پوشیدن پوستین‌های وارونه در میان جوانهای بیتل مد شده بود. یک روز رفتم نماز، دیدم یکی از همین جوانهای آلامد که موهایش را روغن زده، آمده و صف اول کنار متدینین و بازاری‌های خوب و افراد محاسن سفید نشسته. احساس کردم این جوان با من حرفی دارد. نشستم و به او پاسخِ نگاه دادم؛ یعنی اجازه دادم بیاید حرفش را بزند. جلو آمد و گفت آقا! من صف اول بنشینم، اشکال دارد؟ گفتم نه، چه اشکالی دارد؟ شما هم مثل بقیه. گفت: این آقایان می‌گویند اشکال دارد. گفتم: این آقایان بیخود می‌گویند! این جوان، دیگر از این مسجد پا نمی‌کِشد. این جوان، دیگر از این پیشنماز دل نمی‌کند. همین‌طور هم بود؛ از ما دل نمی‌کندند. بنده وقتی مسجد می‌رفتم، در میان صد نفر، اقلاً نود نفرش جوانها بودند. بنده هیچ چیز خاصی نداشتم؛ نه یک مایه‌ی آن‌چنانیِ معنوی، نه یک مایه‌ی دنیوی؛ اما با مردم بودم.

مربوط به :[**بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی - 1383/10/23**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3268)
عنوان فیش : نیروهای مسلح, روحانی‌ها, طلاب جوان, منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [نیروهای مسلح](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1616), [روحانی‌ها](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1308), [طلاب جوان](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2124), [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هرجا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تأثیرات بسیار گرانبهایی برجای گذاشته‌اند.

مربوط به :[**بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه - 1379/07/14**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
دوم، حفظ زیّ طلبگی است. زیّ طلبگی چیست؟ من زیّ طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی با عزّت، و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می‌کند. البته من از اوضاع مادّی حوزه‌ی علمیه، حقیقتاً آشفته و ناراحتم. از مشکلاتی که بسیاری از طلاّب و فضلا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند - مشکلات مادّی - مطّلعم. گاهی اوقات بعضی از این اطّلاعات برای من بسیار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله‌ی دیگری است که واقعاً باید برایش فکری کرد. امروز حقیقتاً طلاّب علوم دینی از همه‌ی طبقات جامعه - حتی از کارمند و از کارگر و از دیگران - از لحاظ حظّ معیشتی پایین‌ترند - این یک واقعیت است - در حالی که یکی از بزرگترین و شریفترین کارها را اینها انجام می‌دهند. از ظواهر هم چندان چیزی نمی‌شود فهمید. همان عزّت نفس و مناعتی که طلاّب علوم دینی از گذشته با آن سرافراز بوده‌اند، نمی‌گذارد آدمهای سطحی و ظاهربین، بسیاری از بواطن امر را ببینند و بشناسند. من نمی‌خواهم آن مقوله را با این مقوله مخلوط کنم. آنی که حالاً عرض می‌کنم، این است که طلاّب - چه آنهایی که برخوردارند، چه آنهایی که دچار سختیهایی هستند - باید زیّ طلبگی‌شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزّت نفس؛ این یک. دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.

مربوط به :[**بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه - 1379/07/14**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451)
عنوان فیش : منش طلبگی, روحانی‌ها
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663), [روحانی‌ها](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1308)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
من زی طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی كنم: پارسایی با عزت، و نظم در تحصیل و زندگی.

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از روحانیون - 1374/10/27**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2781)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
مبلّغِ دین و مبیّنِ معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. این‌که مشاهده می‌کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند، مردم پاسخ مثبت می‌دهند و اجابت می‌کنند و جمع می‌شوند و عمل می‌کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خودِ انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زیّ، به خاطر عمل اخیار و نیکانی که قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجّه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه‌ی ارزشمندی محسوب می‌شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان می‌دهند و عملاً برای مردم ثابت می‌کنند،کار هدایت آنها را آسان می‌سازند.

مربوط به :[**بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی - 1370/12/05**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2596)
عنوان فیش : روحانی‌ها, احساس مسئولیت, منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [روحانی‌ها](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1308), [احساس مسئولیت](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2244), [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
آنچه برای ما طلبه‌ها همیشه شوق‌آفرین بوده، احساس انجام وظیفه بوده است. عالم طلبگی، با شکل و فرم و ساخت و محتوای دستگاههای صرفاً اداری فرق دارد.

مربوط به :[**بیانات در دیدار روحانیون تیپ مستقل 83 امام جعفر صادق(ع) - 1370/09/11**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2518)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
رعایت ظواهر نظامی، خیلی مهم است. بدون شک، در امر نظامی، ظواهر عنوان بواطن است. یعنی اگر آن شخص نظامی که جلوی شما می‌آید، چنانچه دیدید یقه‌اش باز است، یا دکمه‌اش افتاده، بدانید که او قطعاً در میدان جنگ کم خواهد آورد. نه این‌که اگر یقه‌اش بسته بود و دکمه‌اش نیفتاده بود، کار را تمام خواهد کرد؛ نه، این جزو موضوع است؛ تمام موضوع نیست. یعنی اگر همه چیزش تکمیل باشد، اما مثلاً وقتی پیش شما می‌آید، ببینید بند پوتینش باز یا شُل است، یقین کنید که او در میدان جنگ، آن کاری که شما می‌خواهید، نخواهد کرد. باید کارش شسته، رُفته، مرتب، منظم و پُروپیمان - در همان زی‌یی که از او متوقع است - باشد. البته ممکن است از طلبه‌ی نظامی زی خاصی متوقع باشد؛ آن زی را مشخص کنید، تا همان زی را داشته باشد.

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان‌ - 1370/05/30**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2482)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
خداوند ان‌شاءاللَّه توفیق انجام وظیفه و اهتدا به وظیفه به ما عنایت کند؛ ما را هرگز از این زی مقدس روحانی جدا نکند؛ ما را در راه خدمت به دین و خدمت به این رشته‌ی مقدس و افتخارآمیز، زنده بدارد و در همین راه هم بمیراند.

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از روحانیون - 1369/12/22**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2433)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهیها، غفلتها، وقت‌نشناسیها، وظیفه‌نشناسیها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهایی که بر اثر گذشت قرنها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به‌وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن‌چنان ذخیره‌یی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین بایدِ ما معممان و متزیّیان به زیّ علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمداللَّه در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

مربوط به :[**پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) - 1369/03/10**](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2316)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتّی حکومتهایی هم که داعیه‌ی توده‌یی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زیّ طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثنا، دامان خود را از طرز زندگیهای رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگهداشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسؤولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسؤولان هست، مشاهده نکردند.

مربوط به :[**بیانات در دیدار و عمامه‌گذارى جمعى از طلّاب به‌مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ زهرا (سلام ا‌لله‌ علیها) - 1368/10/26**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2249)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
هر چند که ورود در رشته‌ی تحصیل علوم دینی و طلبه شدن، یک مرحله‌ی سرنوشت‌ساز و مهمی محسوب می‌شود و طلبه‌ی با عمامه و بی‌عمامه، هر دو گونه‌اش را داریم؛ لیکن نفس تلبّس به لباس روحانیت و اهل علم دینی و گذاشتن عمامه هم خودش مرحله‌یی است و بسیار حایز اهمیت می‌باشد. تا شما عمامه سرتان نیست، مردم یک‌طور از شما توقع دارند؛ اما وقتی عمامه بر سر گذاشتید، این توقع طور دیگری خواهد شد.
این لباس، هزار سال است که لباس علم می‌باشد. نمی‌گوییم که فقط علما این لباس را داشتند؛ نه، هزار سال است که زیّ اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است.

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعى از علما و روحانیّون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه محرّم - 1368/05/11**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2151)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
امروز، اگر روحانیت از زیّ خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتّی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.
در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زیّ روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعى از علما و روحانیّون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه محرّم - 1368/05/11**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2151)
عنوان فیش : منش طلبگی, روحانیون
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663), [روحانیون](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4235)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بكند و اگر عملی از او سر بزند كه حاكی از ضعف تقوا و ورعی باشد كه مردم در او سراغ كردند و به او اعتماد دارند، هر كدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است.

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعى از علما و روحانیّون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه محرّم - 1368/05/11**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2151)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حركاتی كه انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی كه این اصل را مخدوش بكند، مورد تاكید و توجه قرار بگیرد.

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعى از روحانیّون سراسر کشور - 1368/04/04**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2110)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌یی در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستم - این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیّاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.

مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعى از روحانیّون سراسر کشور - 1368/04/04**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2110)
عنوان فیش : منش طلبگی, وظایف روحانیت
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663), [وظایف روحانیت](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4030)
نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :
تكلیف ما جامعه‌ی روحانیت این است كه هرچه توان داریم، بر استحكام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم.

مربوط به :[**بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتح - 1364/09/26**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24764)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
درس در حوزه‌های علمیه یك عبادت محسوب می‌شود. تربیت طلبگی از اوّل این است، درس یك عمل عبادی است. لازمه‌اش این است كه این كار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی كه قبل از درس وضو می‌گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی كه پیش از رفتن به جلسه‌ی درس وضو می‌گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه‌ها كم نیستند. این یكی از چیزهای معمولی و رائج است كه وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی كه در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچكس از كسی نمی‌پرسید كه شما چقدر درس خواندید و بیا ببینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه‌ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت خستگی‌ناپذیر و با فراموش كردن بسیاری از جلوه‌های زندگی دنبال می‌كرد هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی معنوی و اخروی و الهی نمی‌تواند یك طالب علم را آن وقتی كه از او نمی‌پرسند آقا شما چی خواندید و پیش كی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی‌كند. ما متأسفانه یك تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم.

مربوط به :[**بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتح - 1364/09/26**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24764)
عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : جستار

متن فیش :
عبادت دانستن درس و به عنوان یك كار عبادی یك وظیفه‌ی شرعی و الهی درس خواندن این یك چیز فوق‌العاده مهمی در حوزه‌های علمیه هنوز هم هست. هنوز هم شما ببینید آن جوانی كه پا می‌شود می‌رود طلبه می‌شود، از دانشگاه می‌رود، از دبیرستان می‌رود، از روستا می‌رود، از شهر می‌رود. می‌روند طلبه می‌شوند. وقتی كه شما بروید از او بپرسید چرا طلبه شدی؟ می‌خواهی چكار بكنی؟ می‌بینید كه این، یك هدف معنوی این را كشانده آورده، البته استثنا دارد. مواردی ممكن است كسانی استثنا باشند، انگیزه‌های دیگر داشته باشند اما روال این است، رنگ عمومی این است. به دنبال یك هدف معنوی آمده. می‌گوید آمدم اسلام را بفهمم، اسلام را تحقیق كنم. آمدم راهنمائی كنم مردم را یاد بگیرم راهنمائی كنم مردم را. اصلاً از اوّل انگیزه این است. در حالی كه در دانشگاه قبلی ما و فرهنگ دانشگاهی ما این نبود. اگر از یك دانشجو می‌پرسیدند آقا شما چرا آمدی دانشجو بشوید؟ می‌گفت، آمدم تا یك شغل خوب پیدا كنم، آمدم بشوم مثلاً پزشك، بشوم مهندس، بشوم نمی‌دانم چه، و هیچ ابائی نبود از این‌كه بگوید كه آدم تا یك مثلاً درآمد خوبی در آینده داشته باشم، زندگی‌ام را می‌خواهم خوب تأمین بكنم. در عرف حوزه‌ی علمیه این عیب است، اگر از یك طلبه‌ای بپرسند آقا شما برای چی آمدی؟ اگر در دلش هم تأمین زندگی آینده باشد، جرأت نمی‌كند به زبان بیاورد، این یك عیب محسوب می‌شود كه اِ یك نفر بیاید طلبه بشود برای این‌كه زندگی‌اش را تأمین بكند! این یك ارزش منفی است، یك نقطه‌ی منفی و سیاه است. ببینید همین خُلق، همین روحیه، اگر بیاید توی دانشگاه، اگر ما بتوانیم همین یك قدم را برداریم؛ كانال بزنیم بین حوزه و دانشگاه روحیه‌ی درس را، عبادت دانستن و به عنوان وظیفه‌ی الهی انجام دادن، این را ما منتقلش كنیم به دانشگاه كه البته این انتقال كار آسانی هم نیست. اما ببینید چه قیامت عظیمی برپا خواهد شد.

مربوط به :[**بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتح - 1364/09/26**](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24764)
عنوان فیش :انعکاس زندگی طلبگی در کتاب سیاحت غرب مرحوم آقانجفی قوچانی
کلیدواژه(ها) : [تاریخ فعالیتها و مبارزات آیت الله خامنه ای قبل از](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5309), [آقانجفی قوچانی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2524), [تاریخ حوزه‌های علمیه و مجاهدتهای علما](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4707), [سنت‌های حوزه](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2059), [منش طلبگی](https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1663)
نوع(ها) : روایت تاریخی

متن فیش :
درس در حوزه‌های علمیه یک عبادت محسوب می‌شود. تربیت طلبگی از اوّل این است، درس یک عمل عبادی است. لازمه‌اش این است که این کار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی که قبل از درس وضو می‌گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی که پیش از رفتن به جلسه‌ی درس وضو می‌گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه‌ها کم نیستند. این یکی از چیزهای معمولی و رائج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی‌پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا ببینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه‌ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت خستگی‌ناپذیر و با فراموش کردن بسیاری از جلوه‌های زندگی دنبال می‌کرد هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی معنوی و اخروی و الهی نمی‌تواند یک طالب علم را آن وقتی که از او نمی‌پرسند آقا شما چی خواندید و پیش کی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی‌کند. ما متأسفانه یک تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم. تا این نکات و ظرائف توی آن منعکس شده باشد. معمولاً شرح حالهایی که هست متوجه به این خصوصیات و این نکات نیست. این کتاب زندگی مرحوم آقانجفی قوچانی که به اسم سیاحت شرق منتشر شده خیلی چیز جالبی است. من به برادران و خواهران توصیه می‌کنم کتاب را بخوانند. خود مرحوم آقا نجفی یک شخصیت بسیار ممتازی بوده، یک انسان معنوی بوده. مرحوم شهید مطهری ایشان را دیده بود در قم. و به من می‌گفت ایشان اهل مکاشفه و اهل معنا بودند. کتاب دیگری ایشان دارد به نام سیاحت غرب که در احوال عالم برزخ و پس از مرگ نوشته شده به شکل داستانی. مرحوم مطهری می‌گفتند من احتمال قوی می‌دهم که اینها مکاشفات این مرحوم هست، که به این شکل در کتاب سیاحت غرب آن را ثبت کرده. یک چنین شخصیتی. آن‌جا منعکس است، که طلبه چه‌جوری درس می‌خواند و چه‌جوری تلاش می‌کند و چه‌جور پای درس استاد می‌رود، و استاد را انتخاب می‌کند و چه‌جور عبادت می‌کند و چه‌جور گرسنگی می‌کشد، البته زمان آقانجفی با حالا یک مقداری فرق می‌کند، و ما نمی‌گوئیم صد در صد آنجور است، نه، خیلی چیزها هست که زمان مرحوم آقا نجفی نبود و خوب هست، امروز، هست. بهتر از آن هم هست. آن روز طلبه‌ها جهاد در راه خدا و مبارزه‌ی در راه خدا را مثل امروز بلد نبودند و حضور در میدانهای خطر را. و همتهای این چنین بلند که ناظر به اداره‌ی دنیای اسلام است و حاکمیت اسلام در کل دنیای بشریت. از آن طرف هم البته تجرد و غنای نفس طلبه‌های آن روز شاید بیشتر بود. توجهاتشان یک مقداری بیشتر بود. طبعاً جلوه‌های زندگی صنعتی یک تأثیراتی می‌گذارد روی روحها و فکرها. اما عبادت دانستن درس و به عنوان یک کار عبادی یک وظیفه‌ی شرعی و الهی درس خواندن، این یک چیز فوق‌العاده مهمی در حوزه‌های علمیه هنوز هم هست.